

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

جزوه درس

روش تدریس و کلاس‌داری

برکات تدریس:

- ۱- قال علی 7: كُلُّ شَيْءٍ يَنْقُصُ عَلَى الْإِنْفَاقِ إِلَّا الْعِلْمُ^۱
- ۲- افزایش وضع معیشتی؛ قال رسول الله 9: من طلب العلم، تكفل الله له برزقه^۲.
- ۳- پاداش آخرتی؛ يَجِيءُ الرَّجُلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَهُ مِنَ الْحَسَنَاتِ كَالسَّحَابِ الرُّكَامِ أَوْ كَالْجِبَالِ الرَّوَاسِي فَيَقُولُ يَا رَبِّ أَنَّى لِي هَذَا وَ لَمْ أَعْمَلْهَا فَيَقُولُ هَذَا عِلْمُكَ الَّذِي عَلَّمْتَهُ النَّاسَ يَعْمَلُ بِهِ مَنْ بَعْدَكَ^۳
- ۴- موجب پرهیزکاری مدرس می شود.
- ۵- تقویت عقل؛ قال علی 7: أَعُوذُ الْأَشْيَاءِ عَلَى تَرْكِيَةِ الْعَقْلِ التَّعْلِيمِ^۴

معلم:

- أ. مقبولیت
- ب. محبوبیت
- ت. معنویت
- ث. مدیریت
- ج. موفقیت

مهارت‌های تدریس

- **تدریس:** فرایندی که طی آن، معلم بر اساس روش‌هایی به ارائه ی محتوا برای تغییر در شناخت و رفتار متعلم می پردازد و ذهن او را درگیر یادگیری می کند و او را به مرحله ی یادگیری می رساند.
- **یادگیری:** فرایند تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه فرد بر اثر تجربه.
- **فرایند:** به اموری گفته می شود که جاری و پویا هستند.
- **تغییر:** جابجایی بین مبدأ و مقصد.
- **رفتار بالقوه:** در مقابل رفتار بالفعل است.
- **نسبتاً پایدار:** در مقابل تغییرات موقت.
- **تجربه:** تأثیر متقابل فرد و محیط.
- **مهارت:** چیرگی در انجام کار.
- **فن:** اصول انجام کار.

۱ - غرر الحکم، ح ۶۸۸

۲ - نهج الفصاحه، ص ۷۴۲

۳ - بحار، ج ۲، ص ۱۸

۴ - غرر الحکم، ح ۳۲۴۶

• روش: چگونگی انجام کار

۱-۱- مهارت نیاز سنجی

• نیاز سنجی یعنی معلم نیازهای متعلم را بداند؛

۱-۱-۱. مستند

كان رسول الله يخطب في كل وقت بما يقتضيه حاجة المخاطبين.

۱-۱-۲. راههای بدست آوردن نیاز مخاطب:

- ۱- پژوهش های آسیب شناسی.
- ۲- سوال از خود مخاطب
- ۳- سوال از اولیاء و مربیان
- ۴- استفاده از مجلات تخصصی کودک، نوجوان، جوان
- ۵- استفاده از برنامه های رادیو و تلویزیون
- ۶- استفاده از صفحات اجتماعی روزنامه ها
- ۷- خود را جای مخاطب گذاشتن.

• نیاز:

۱- واقعی:

- أ. احساس می کند: شادی، امید، لذت و ...
- ب. احساس نمی کند: توفیق، توبه و ...
- ۲- غیر واقعی: مدگرایی، تجمل، تب فوتبال و ...

۱-۱-۳. راههای نیاز آفرینی

- ۱- عنوان را عوض می کنیم: امر به معروف ← مهربانی مدنی؛ توبه ← قهر و آشتی؛ اخلاق ← مهارتهای زندگی؛ جامعه ی مهدوی ← جامعه ی جهانی؛ دعا ← نیایش و ...
- ۲- با طرح سوال، نیاز واقعی را تحریک می کنیم: بچه ها! به نظر شما دنیای بدون توبه چه رنگی است؟ با این همه نیاز، چرا احساس دعا نداریم؟
- ۳- از نیاز ملموس (غیر واقعی) شروع و به نیاز واقعی ختم می کنیم.
- ۴- استفاده از روایات عددی.
- ۵- استفاده از راههای برقراری ارتباط

۴-۱-۱. سلسله نیازهای مازلو

- ۱- نیازهای زیستی (آب، هوا، غذا، غریزه جنسی و ...)
- ۲- نیاز به ایمنی (شغلی، بدنی، سیاسی و ...)
- ۳- نیاز به محبت و تعلق
- ۴- نیاز به حرمت و عزت نفس یا احساس خود ارزشمندی، تأیید، موفقیت، قدرت
- ۵- خود شکوفایی
- ۶- نیاز به حقیقت جویی (در اواخر عمرش این مورد را اضافه کرد و گفت این مورد فرا نیاز است)

۵-۱-۱. نیازهای مقطع ابتدایی

- ۱- سلام
- ۲- آداب
- ۳- گردش و بازی
- ۴- خواهر و برادر
- ۵- جشن (تولد، نیمه ی شعبان، نیکوکاری و ...)
- ۶- کمک به دیگران
- ۷- عزاداری
- ۸- شادی
- ۹- راستگویی
- ۱۰- استراحت
- ۱۱- نظم
- ۱۲- نماز
- ۱۳- دوستی با امامان
- ۱۴- تشکر (انواع تشکر)
- ۱۵- مردم آزاری

۶-۱-۱. نیازهای مقطع راهنمایی

- ۱- دوستی
- ۲- مشورت
- ۳- صبوری
- ۴- فداکاری
- ۵- اهمیت خانواده

- ۶- همکاری
- ۷- کار و کوشش
- ۸- بسیج
- ۹- غیبت و ظهور
- ۱۰- ذوق و استعداد
- ۱۱- ارزش علم
- ۱۲- آفات زبان
- ۱۳- زیبایی های طبیعت یا زندگی
- ۱۴- پرخاشگری
- ۱۵- دشمن شناسی
- ۱۶- قهر و آشتی
- ۱۷- فکر کردن

۷-۱-۱. نیازهای مقطع دبیرستان

- ۱- شادی
- ۲- آزادی
- ۳- آرزو
- ۴- نگاه
- ۵- محبت
- ۶- موسیقی
- ۷- خود باوری و خود باختگی
- ۸- برنامه ریزی

۲-۱- مهارت طراحی درس

۱-۲-۱. مستند:

قال علی 7: التَّدْبِيرُ قَبْلَ الْعَمَلِ يُؤَمِّنُكَ مِنَ النَّدَمِ

۱-۲-۲. تعریف

عبارت از این است که مدرس قبل از حضور در کلاس، برنامه ای منظم و مدون برای خودش آماده کند که بتواند به وسیله ی آن برنامه، درس خودش را ارائه دهد.

• در طراحی درس چند سؤال اصلی باید پاسخ داده شود. از جمله:

۱- چه موضوعی را می خواهیم درس بدهم؟

۲- به چه منظوری می خواهیم درس بدهم؟

سه نوع هدف داریم:

أ. هدف کلی: یعنی نتایجی که انتظار می رود پس از آموزش یک موضوع درسی یا انجام یک فعالیت

تربیتی، دانش آموز به آن هدف نائل گردد. مثلاً اصول دین را بشناسد.

ب. هدف جزئی: برای رسیدن به یک هدف کلی، آن را به هدفهای جزئی تری تجزیه می کنند تا دسترسی

به هدف کلی قابل تحقق شود. مثلاً تعداد اصول دین را بدانند، ویژگی مهم اصول دین را بدانند.

ت. هدف رفتاری: اعمال، رفتارها، حرکات و آثاری که قابل مشاهده کردن، شنیدن، لمس کردن و قابل

تشخیص باشد.

▪ ویژگی های هدف رفتاری:

۱- با یک فعل رفتاری بیان شده است. مثل بیان کردن، شمردن، گفتن، انجام دادن.

۲- معیار و درجه ی مورد انتظار تعیین گردد. مثلاً دقیقاً بیان کند، حدوداً بیان کند.

۳- شرایط فیزیکی و روانی فعل رفتاری معین شود. مثلاً بدون ترس از معلم

۳- در چه زمانی می خواهیم تدریس کنم؟

۴- به چه کسانی می خواهیم تدریس کنم؟

۵- با چه وسیله ای می خواهیم تدریس کنم؟

۶- با چه روشی می خواهیم بگویم؟

۷- ارزشیابی پایانی چگونه خواهد بود؟

- نکته: شماره ی جلسه و تاریخ برگزاری و نام درس و رئوس مطالب یادداشت شود و اینکه ایشان در چه مرحله ای هستند و هر کجا برای برنامه رفتیم آن را یادداشت کنیم.

۳-۲-۱. فوائد طرح درس

- ۱- افزایش روحیه ی معلم یا مربی
- ۲- احاطه و تسلط بر درس
- ۳- ایجاد فرصت برای معلم و متعلم برای تحقیق
- ۴- مشخص شدن نقطه ی ضعف و قوت
- ۵- پیش بینی مشکلات احتمالی
- ۶- نظم و ترتیب منطقی دادن به کار معلم
- ۷- توجه به انتخاب روش
- ۸- تهیه ی وسایل کمک آموزشی
- ۹- جلوگیری از فراموشی مطالب معلم
- ۱۰- اعتماد کردن متربی به معلم
- ۱۱- آسان شدن ارزیابی کار معلم

- تنوع کلاسی: وکیل بازی

۳-۱-۱ مهارت برقراری ارتباط

۳-۱-۱. مستند:

قال الرضا 7: إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالَاً وَ إِدْبَاراً وَ نَشَاطاً وَ فُتُوراً- فَإِذَا أَقْبَلَتْ بَصُرَتْ وَ فَهَمَتْ وَ إِذَا أَدْبَرَتْ كَلَّتْ وَ مَلَّتْ- فَحَذُّوْهَا عِنْدَ إِقْبَالِهَا وَ نَشَاطِهَا- وَ اِتْرُكُوهَا عِنْدَ إِدْبَارِهَا وَ فُتُورِهَا^۱

۳-۲-۱. فرمول:

از رغبت مخاطب شروع و به رسالت خودش خاتمه بدهد.

- چیزهایی که رغبت درست می کند: داستان، خاطره، طنز، آمار، همدلی، همزبانی، وسایل داخل کلاس، سکوت، سوال و معما

مثال:

خواهی نخوری ز تیم ابلیس شکست

۱- بحار، ج ۷۵، ص ۳۵۷

باید به دفاع از دل و دیده نشست

چون شوت شود به سوی دل توپ گناه

دروازه ی دل به روی آن باید بست

• موارد استثناء فرمول:

۱- اتمام حجت.

۲- نهی از منکرهایی که زمینه ی برقراری ارتباط وجود ندارد.

۳- الان احساس نیاز نمی کند ولی بعدها برایش مفید است.

۴-۱- مهارت تفکر برانگیزی

معلم علاوه بر تعلیم دانش آموزان باید قوه ی تفکر آنها را تقویت کند. یعنی معلم باید دو کار انجام دهد:

۱- تعلیم معلومات

۲- پرورش قوه ی تفکر

۱-۴-۱. مستند

قال علی 7: الْعِلْمُ عِلْمَانِ مَطْبُوعٌ وَ مَسْمُوعٌ وَ لَا يَنْفَعُ الْمَسْمُوعُ إِذَا لَمْ يَكُنِ الْمَطْبُوعُ^۱

علم دو دسته است: علمی که فقط شنیده شده است و به ذهن رفته است و علمی که به وسیله ی تفکر درونی شده است.

قال علی 7: فَضْلُ فِكْرٍ وَ تَفْهَمٍ أَنْجَعُ مِنْ فَضْلِ تَكَرَّرٍ وَ دِرَاسَةٍ^۲

۱- نهج البلاغه صبحی صالح، قصار ۳۳۸، صفحه ی ۵۳۴

۲- غرر الحکم، ص ۵۶

۲-۴-۱. انواع تفکر برانگیزی

۱- خوشایند

۲- ناخوشایند

أ. شبهه.

ب. به قدری آسان است که متعلم آنرا به مسخره می گیرد.

۳-۴-۱. روشهای تفکر برانگیزی در تدریس

۱- طرح محتوای کلاس به وسیله ی سؤال. مانند: چه چیزهایی وجود دارند و ما نمی بینیم؟ آیا دینداری سخت

است یا آسان؟، جایی که لذتهای آنی را فدای لذتهای دراز مدت می کنیم کجاست؟

۲- اگر سؤالی کرد، به او بگوییم تو چه فکر می کنی؟ و اجازه بدهیم خودش جواب را بیابد. در غررال حکم آمده است:

من اسرع بالجواب لم یدرک الجواب ← هرکس در جواب عجله نماید، به جواب کامل نائل نمی شود.

۳- دادن تکلیف یا تحقیق برای گرسنه شدن ذهن مخاطب در جلسه ی آینده. مثلاً حمید به دروغگویی مبتلاست،

چگونه می توانید او را کمک کنید؟

۴- جایی که دلایل متقن و محکم است، نتیجه گیری را به مخاطب واگذار کنیم.

۵- درخواست از مخاطبین به اضافه کردن مطالب درسی؛ مثلاً از مخاطب بخواهیم که یک مورد را او بگوید.

۶- استفاده از سؤالهای واگرا ← سؤال واگرا سؤالی است که جواب واحد نداشته باشد. مثلاً «نام کتاب حضرت

موسی» سؤال همگراست اما سؤال از اینکه «چرا باید نماز بخوانیم» سؤال واگراست؛ چون هر کس می تواند

جواب متفاوتی بدهد.

۷- گاهی در لابلای درس به صورت عمدی مطالب اشتباهی را طرح کنیم.

۵-۱- مهارت کرامت بخشی

یکی از مهمترین مشکلات معلم دینی در ارائه ی مفاهیم دینی این است که مخاطبینش احساس کرامت نداشته باشند و در صورت کرامت نداشتن مخاطب، در هر مسأله ای که صحبت شود او خواهد گفت: حق با شماست اما عمل نخواهد کرد و سخن ما را نخواهد پذیرفت.

۱-۵-۱. مستند

قال علی 7: مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهَوَاتُهُ^۱

قال علی 7: مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ لَمْ يُهِنَّا بِالْمَعْصِيَةِ^۲

امام هادی 7: مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شَرَّهُ^۳

امام علی 7: أَكْرَمُ نَفْسِكَ عَنْ كُلِّ دَنِيَّةٍ وَ إِنْ سَأَقْتَكِ إِلَى الرَّغَائِبِ فَإِنَّكَ لَنْ تَعْتَاظَ بِمَا تَبْدُلُ مِنْ نَفْسِكَ عَوْضًا^۴

۲-۵-۱. راههای کرامت بخشی

۱- استفاده از جملات مثبت و کرامت بخش و پرهیز از جملات منفی و جملاتی که حس خود ارزشمندی را از مخاطب می گیرد.

مثال:

بدانید که بهای جانهای شما بهشت است پس آن را ارزان نفروشید ← قال علی 7: إِنَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةَ فَلَا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِهَا^۵

شما خلیفه ی خدا بر روی زمین هستید و باید مثل خداوند شوید که فرمود: عبدي أطعني أجعلك مثلي، أنا حي لا أموت أجعلك حيًا لا تموت، أنا غني لا أفقر أجعلك غنيًا لا تفتقر، أنا مهما أشاء يكون أجعلك مهما تشاء يكون^۶

قلب ما جایگاه محبت خداست پس با غیر او آن را پر نکنیم: الْقَلْبُ حَرَمُ اللَّهِ فَلَا تُسْكِنُ حَرَمَ اللَّهِ غَيْرَ اللَّهِ^۷

۱- نهج البلاغه، صبحی صالح، قصار ۴۴۹، صفحه ی ۵۵۵

۲- غررالحکم، حدیث ۸۷۳۰

۳- تحف العقول، ص ۲۶۲

۴- نهج البلاغه، نامه ی ۳۱

۵- نهج البلاغه، حکمت ۴۵۶

۶- الجواهر الثمینیة، ص ۳۶۱

۷- بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۵

بنده ی غیر خودت مباش که خداوند تو را آزاد آفریده است: قال علی 7: وَ لَا تُكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا^۱

- ۲- استفاده از ضمیر اول شخص مفرد یا جمع
- ۳- مشورت کردن با مخاطبین
- ۴- مسوولیت دادن به دانش آموزان؛ مثل: شرکت دادن در سؤالات امتحانی، تصحیح نمودن برگه های امتحانی
- ۵- استفاده از واژه های «عزیزان من»، «دوستان من»، «رفقا» و ...
- ۶- هر کس احساس کند که در یک چیزی ممتاز است؛ مثل: ورزش، ادبیات، اسم خوب و ... احساس کرامت خواهد کرد.
- ۷- تشویق
- ۸- بچه ها را آنگونه که باید باشند بینیم نه آنگونه که هستند.
- ۹- شناخت عوامل خود نا پذیری و تغییر نگرش او.
- ۱۰- شمردن نقاط مثبت دانش آموزان؛ مثل جوانی
- ۱۱- خوب گوش دادن به مخاطب

• تنوع کلاسی: حافظه سنجی

۶-۱- تشویق و تنبیه

۱-۶-۱. مستند

قال علی 7:

وَ لَا يَكُونَنَّ الْمُحْسِنُ وَ الْمُسِيءُ عِنْدَكَ بِمَنْزِلَةِ سَوَاءٍ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ تَزْهِيْدًا لِأَهْلِ الْإِحْسَانِ فِي الْإِحْسَانِ وَ تَدْرِيْبًا لِأَهْلِ الْإِسَاءَةِ عَلَى الْإِسَاءَةِ^۲

۱- نهج البلاغه، نامه ی ۳۱

۲- همان، نامه ی ۵۳

امام صادق 7 هشام ۱۷ ساله را در صدر مجلس می نشاند و می فرمود: هَذَا نَاصِرُنَا بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ^۱

امام رضا 7 پیراهن خود را به همراه ۳۰ هزار درهم به دعبل خزاعی دادند.

ابوطالب قمی در نامه ای چند بیت از اشعاری که در مدح امام رضا 7 سروده بودم به امام جواد نوشتم و از او خواستم

که درباره ی ایشان نیز شعر بگویم. امام جواد نیز شعر را نگه داشت و فرمود: چه نیکو گفتی!^۲

۲-۶-۱. فوائد تشویقی

- ۱- موجب تقویت روحی و اعتماد به نفس شاگردان می شود.
- ۲- استعدادهای فرد را شکوفا می کند.
- ۳- یأس و ناامیدی را از بین می برد.
- ۴- تلقی مثبتی از خود پیدا می کند.
- ۵- موجب محبوبیت مربی می شود.
- ۶- موجب جبران کمبودها و حقارت‌های عاطفی دانش آموز می شود.
- ۷- موجب تصحیح رفتارهای دانش آموزان می شود.
- ۸- گاهی یک تشویق مسیر زندگی یک انسان ناباب را عوض می کند.

۳-۶-۱. نکات قابل توجه در تشویق

- ۱- همه ی اعمال نباید تشویق شوند.
- ۲- باید رفتار را تشویق کنیم نه افراد را ← ایوب بنده ی خوبی بود چون إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ^۳
- ۳- تشویق متناسب با عمل باشد.
- ۴- به جایزه اهمیت بدهید (آن را بزرگ کنید)
- ۵- جایزه دادن لوذ نشود.
- ۶- تشویق نباید پیوسته و دائمی باشد. اگر کسی بر اثر پیوستگی تشویق شرطی شد سه راه برای از بین بردن آن وجود دارد:

أ. موازی سازی

ب. زمانبندی کردن

ت. بی ارزش کردن امتیازات و جوایز

۱ - بحار، ج ۱۰، ص ۲۹۲

۲ - همان، ج ۲۶، ص ۲۳۱

۳ - همان، ج ۶۸، ص ۵۶

۷- متربی بداند که برای چه چیزی تشویق می شود.

۸- در تشویق باید سعی داشت که انگیزه ها به انگیزه ی درونی تبدیل شود.

نکته: تشویق دو نوع است:

ا. درونی: فرد از درون انگیزه ی انجام عمل پیدا می کند. مثل: انسانیت، اخلاص، رقابت

ب. بیرونی: مثل امتیاز، جایزه

۹- تشویق در جمع مؤثرتر واقع می شود.

۱۰- جایزه ی تشویقی مورد علاقه ی مخاطب باشد.

۱۱- جایزه حتی الامکان فرهنگی باشد.

۱۲- جایزه مصرفی نبوده بلکه ماندگار باشد.

۱۳- متربیان را به جایزه های گران قیمت عادت ندهید.

۱۴- تشویق افراطی گاهی افراد را به غرور مبتلا می کند.

۱۵- هماهنگی با والدین در نوع جایزه ها بهتر جواب می دهد.

۴-۶-۱. انواع تشویق

۱- تشویق وعده ای:

ا. خواندن داستان

ب. بردن به اردو

ت. بردن به استخر

ث. ...

۲- تشویق عملی:

ا. نگاه معنادار

ب. دست زدن به شانه طرف

ت. دادن هدایا

ث. تکان دادن دست

ج. نمره دادن

ح. مسوولیت دادن

۳- تشویق کلامی:

احسنت، مرحبا، آفرین، باریک الله، ای ول، دمت گرم

- نکته ۱: آیا جایزه بصورت امتیازی باشد یا بصورت حضوری؟
جواب: امتیازی بهتر است ولی بعضی وقتها باید جایزه را بصورت حضوری و نقدی داد. چون در امتیازی، اولاً همه جایزه می گیرند، ثانياً معنا کردن امتیاز دست خودمان است و ثالثاً افراد دیرتر شرطی می شوند.
- نکته ۲: در حالت امتیازی، خودمان درگیر امتیاز نشویم بلکه یک مسوول برای آن بگذاریم و او این کار را انجام دهد.
- نکته ۳: برای جلوگیری از تقلب سه کار انجام می دهیم:

۱- امضاء پشت کارت

۲- نوشتن امتیازها در یک دفترچه جداگانه

۳- نوشتن اسم بچه ها روی برگه ی امتیاز

۵-۶-۱. تنبیه

تنبیه به معنی آگاه نمودن مخاطب است و مربی باید زمانی که تشویق کردن تأثیر خود را از دست داده است، از آن استفاده کند.

۶-۶-۱. نکات مورد توجه در تنبیه

- ۱- در تنبیه باید جدیت نشان داد. (اگر اینگونه نباشد مخاطب احساس می کند که از روی کینه تیزی تنبیه می کنید)
 - ۲- تنبیه خارج از تحمل مخاطب نباشد. (اگر غیر از این باشد مخاطب احساس می کند که شما آدم نا حسابی هستید و تنبیه را از روی واقعیت انجام نمی دهید)
 - ۳- تنبیه در جایی معنا دارد که فرد از روی نا آگاهی کاری را انجام دهد.
 - نکته: بسیاری از بچه هایی که در کلاس بازی در می آورند و شلوغ می کنند، این کارشان از روی عمد و عناد نیست بلکه به دلیل خلل عاطفی و یا ... است که باید با احساس کرامت آن را درمان کرد.
 - ۴- تنبیه باید متناسب با عمل باشد.
 - ۵- تنبیه نباید برای خنک شدن دل صورت گیرد.
 - ۶- تنبیه با رفتار صورت گرفته شده فاصله پیدا نکند. (اگر فاصله پیدا کرد، بعد از آن تنبیه کردن حمل بر کینه تیزی می شود)
 - ۷- مرتبی بداند برای چه چیزی دارد تنبیه می شود.
 - ۸- رفتار مورد تنبیه قرار گیرد نه شخص.
 - ۹- تنبیه نباید به طور مکرر اتفاق بیافتد.
- الافراط فی الملامة یثبُ نیران اللجاج^۱

۱ - غررالحکم ۴۵۰۷

- ۱۰- برای تنبیه کلاس کمتر از قهر استفاده کنید زیرا نشانه‌ی ضعف و عجز معلم است.
- ۱۱- تنبیه باید هدفدار باشد نه اینکه گاهی باشد و گاهی نباشد.
- ۱۲- دانش‌آموزان را با گول و دیو و جن و ... نترسانید.
- ۱۳- حتی المقدور با نوع جرم متناسب باشد.
- ۱۴- بعد از تنبیه آن را زود فراموش کنید.

۷-۶-۱. روشهای تنبیه

- ۱- عاطفی؛ مثل: قهر کردن، بی توجهی، ابراز عدم دوستی، نگاه سرزنش آمیز، نگاه غضبناک
- ۲- تهدید کردن؛ نمی گذارم تلویزیون ببینی، نمره نمی دهم و ...
- ۳- عملی؛ مثل: جریمه کردن، محرومیت (از دیدن تلویزیون، استخر، پول تو جیبی و ...)، تنبیه بدنی.

۸-۶-۱. موارد جواز تنبیه بدنی

- ۱- برای تأدیب؛ قال رسول الله 9 الی امیر المومنین 7: لا تضربن ادباً فوق ثلاث... زیرا اگر چنین کردی روز قیامت قصاص خواهی شد.^۱
- ۲- برای نماز از سوی پدر و مادر؛
- قال رسول الله 9: أدب صغار أهل بیتک بلسانک علی الصلوة و الطهور فإذا بلغوا عشر سنین فاضرب و لاتجاوز ثلاثاً^۲
- قال موسی بن جعفر 7: لا تضربه و اهجره و لا تطل^۳
- حماد بن عثمان می گوید از امام صادق 7 درباره‌ی تأدیب کودک پرسیدم، حضرت فرمود: ۵ یا ۶ ضربه بیشتر نزن و در همین اندازه نیز نرمش نشان بده^۴
- ۳- تعزیر

۷-۱- مهارت کاربردی کردن

کاربردی کردن یعنی در هر مسأله‌ی ای زمان، مکان، چگونگی و مقدار آن را مشخص کنیم. چند مثال:

- به جای اینکه بگوییم برای بالا بردن حافظه‌ی خود قرآن حفظ کنید، بگوییم کسانی که می‌خواهند حافظه‌ی خود را تقویت کنند، خوب است روزانه یک آیه‌ی قرآن را ۵ بار با صدای بلند و با فاصله‌ی یک دقیقه بخوانند تا هم آیه را حفظ شوند و هم حافظه‌ی خود را تقویت نمایند.

۱- مجموعه‌ی ورام، ص ۳۵۸

۲- همان

۳- عدة الداعی، ص ۷۹

۴- وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۵۸۱

- به جای اینکه بگوییم خوب است مودب باشید، بگوییم در ملاقات با دیگران اول سلام کنید، در میان جمع در گوشی صحبت نکنید، از کاری که دیگران برای ما انجام می دهند تشکر کنید، با دیگران با احترام سخن گفته و بد دهنی نکنیم.
- به جای اینکه بگوییم نماز را در بچه ها نهادینه کنیم، بگوییم: بچه ها را به نماز سفارش کنیم، بچه ها را به نماز خواندن عادت دهیم، هر روز نماز اول وقت را به همراه بچه ها بخوانیم.

چند نکته:

- ۱- ملاک اینکه یک جمله کاربردی است یا نه، این است که عبارت «چه جوری» در مقابل آن مطرح نشود.
- ۲- مهارت کاربردی کردن یک مهارت تو در تو است.
- ۳- هر چه جملات کاربردی تر باشند، به رفتار نزدیک خواهیم شد.
- ۴- کاربردی کردن در هر عرصه ای متفاوت با عرصه ی دیگر است. مثلا کاربردی کردن در سخنرانی با کاربردی کردن در تربیت، نویسندگی و .. فرق می کند. برای سخنرانی کتاب یا مقاله هایی کاربردی است که گفتنی باشد نه خواندنی.
- ۵- بسیاری از پژوهش ها و مطالب دینی باید توسط مبلغ کاربردی شود. مثال: آیا دین زندگی را سخت می کند یا آسان؟ به ۳ دلیل دین آسان کننده ی زندگی است:
 - ا. دین بهداشت زندگی است و همیشه رعایت بهداشت آسانتر از درمان است.
 - ب. دین برنامه ی زندگی است و همیشه برنامه تسهیل کننده ی امور است.
 - ت. دین عشق زندگی است و همیشه زندگی را شیرین می کند.

۸-۱- مهارت مخاطب شناسی

آقای قرائتی: مخاطبین سه دسته اند:

- ۱- توتی: زیاد نیاز به سرمایه گذاری برای جذب آنها نیست.
- ۲- گیلاسی: برای هدایت آنها نیاز به ظرافت است.
- ۳- گردویی: برای هدایت آنها باید با چوب به جان آنها افتاد.

آقای شیلدون: مردم سه دسته اند:

- ۱- آندومورف: ظاهری چاق و گرد، به مسائل عقلی علاقه ندارند، راحت طلب، مردم آمیز، زود دل می کنند.
- ۲- مزومورف: بافت ماهیچه ای، درشت استخوان، عضلانی، راست و کشیده، قاطع، جسور، رقابت جو، دوستدار ابراز شخصیت
- ۳- آکتومورف: بدنی ظریف و کشیده، حساس، خود خور، کمرو، متفکر، دیر دوست می شوند و دیر دل می کنند.

۱-۸-۱. فواید مخاطب شناسی

- ۱- تعدیل انتظارات مربی.
- ۲- پی بردن به علت رفتار.
- ۳- کمک به خود شناسی خود مربی.
- ۴- بکار گیری افراد در جای مناسب.
- ۵- فراهم نمودن زمینه یادگیری.
- ۶- در زندگی خانوادگی و اجتماعی هم مفید است.

۱-۹-۱. مهارت واکسینه سازی

ما با مخاطبینی روبرو هستیم که عوامل مختلف تربیتی بر ذهن و فکر او تأثیر می گذارد. این عوامل عبارتند از: والدین، صدا و سیما، کتابها، جامعه، دوستان، معلم، تغذیه و ...

مربی باید در حین تدریس به این عوامل توجه داشته باشد و نسبت به خنثی شدن آموزه های خویش توسط این عوامل عنایت ویژه نماید.

۱-۹-۱. روشهای واکسینه سازی

- ۱- عادت دادن مخاطب به نماز ←^۱
- ۲- احساس کرامت ← مَنْ كَرَمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَتُهُ^۲
- ۳- عادت دادن مخاطب به اخلاص ←
- ۴- روش طرح مسأله ← مثلاً در کلاس مطرح می کنیم: مجید دوست نابابی دارد و قصد دارد او را هدایت کند، شما چگونه می توانید به او کمک کنید؟
- ۵- روش نقش مخالف ← مثلاً: اصلاً چرا باید نماز بخوانیم؟
- ۶- روش تجزیه و تحلیل یک برنامه تلویزیونی ← بررسی نقاط قوت و ضعف فیلم
- ۷- قرار دادن مخاطب در وضعیت مسأله ← مثلاً اگر به جای فرزندی بودید که پدرش نماز نمی خواند، چه می کردید؟
- ۸- استفاده از قالب شعاری ← مثلاً هرگز نشه فراموش لامپ اضافی خاموش، الم يعلم بان الله یری

۱-۱۰-۱. مهارت رعایت حیطة های یادگیری

در یاد گیری سه حیطة داریم:

۱- عنكبوت، ۴۵

۲- نهج البلاغه، حکمت ۴۴۹

- ۱- حیطه ی شناخت و بینش؛ مانند: علم کلام، آموزه های مستقیم دینی.
- ۲- حیطه ی گرایش و احساس؛ مانند: استفاده از بازی، شعر، تحریک هیجانات.
- ۳- حیطه ی رفتاری؛ مانند: واداشتن به نماز، پرهیز از دروغ، رعایت تقوی.

هر یک از این حیطه ها بر یکدیگر تأثیر و تأثر دارند. مثلاً شناخت گاهی موجب علاقه می شود (گرایش) و گاهی هم گرایش موجب شناخت بیشتر می شود. گاهی شناخت موجب رفتار و گاهی رفتار موجب شناخت می شود. گاهی رفتار موجب علاقه مندی و گرایش و گاهی علاقه مندی موجب رفتار می گردد.

آموزشهایی که فقط بر اساس شناخت باشد، آموزشهای موضوع محور نامیده می شوند.

۱-۱۰-۱. ویژگیهای آموزش موضوع محور

- ۱- ارتباط منطقی میان مباحث بسیار خوب است.
- ۲- بعد شناختی آموزش و مهارتهای تفکر در اولویت است.
- ۳- حجم مفاهیم ارائه شده زیاد است.
- ۴- دانش آموز فعال نیست و عموماً نقش انفعالی دارد.
- ۵- میزان اطلاعات دانش آموز بالا می رود.
- ۶- آموزش کمتر به تغییر نگرش و رفتار می انجامد.
- ۷- روشهای فعال و متنوع تدریس کاربرد کمتری دارد.
- ۸- فعالیت اصلی در کلاس به عهده ی معلم است.
- ۹- معمولاً علاقه ی دانش آموز به موضوع کاهش می یابد و کمتر احساس نیاز به آن می کند.

آموزشهای متکی بر گرایش و رفتار را آموزش شاگرد محور می گویند.

۱-۱۰-۲. ویژگیهای آموزش شاگرد محور

- ۱- دانش آموز نقش بیشتری در آموزش ایفا می کند.
- ۲- مفاهیم کتاب ارتباط منطقی کمتری دارند.
- ۳- اولویت های موضوعی بر اساس رغبت مخاطب است و عموماً نادیده گرفته می شود.
- ۴- شور و نشاط دانش آموز بیشتر است.
- ۵- تغییر رفتار و نگرش بیشتر اتفاق می افتد.
- ۶- حیطه ی شناختی بحث به حداقل می رسد.
- ۷- معمولاً معلم موقعیت ضعیف تری دارد.

بهترین روش این است که آموزش هم موضوع محور و هم شاگرد محور باشد؛ یعنی باید تعادل موضوع محوری و شاگرد محوری باشد.

۳-۱۰-۱. ویژگیهای آموزش متعادل (هم موضوع محور و هم شاگرد محور)

- ۱- شناخت مقدمه ی عمل است و عمل مؤثر در شناخت.
- ۲- گرایش قلبی با موضوع شناختی در نقطه ی مرکزی آموزش قرار داده می شود.
- ۳- تمام ابعاد یادگیری در آموزش وارد می شود.
- ۴- میان موضوعات شناختی و نیازهای جزئی دانش آموز تعادل ایجاد می شود.
- ۵- میزان مفاهیم شناختی متعادل و متناسب است.
- ۶- معلم در راهنمایی و هدایت نقش مؤثری دارد.
- ۷- علاوه بر تغییر بینش، تغییر رفتار نیز صورت می گیرد.
- ۸- تکیه بر حافظه کاهش می یابد.

۱۱-۱- مهارت مواجهه با اختلالات کلاسی

۱-۱-۱. منشأ اختلالات کلاسی

- ۱- معلم؛ مثل: نحوه ی درس دادن، آماده نبودن معلم، لهجه داشتن معلم، تیک عصبی داشتن معلم، تکیه کلام داشتن معلم، ویژگیهای ظاهری و رفتاری معلم، صفات ناپسند مثل تکبر، صداقت نداشتن، شرح صدر نداشتن.
- ۲- محیط؛ مثل: گرما و سرمای زیاد، نور نامناسب، پر سر و صدا بودن، جمعیت زیاد و جای کم، محیط های کنار خیابان و مدرسه، وجود تصاویر و محرکات محیطی.
- ۳- زمان؛ مثل: نزدیک ظهر و خسته بودن، عجله داشتن به خاطر مسابقه، وقت سرویس، زمان امتحان، طولانی بودن کلاس، زمانهای هیجانی مثل عید و مسافرت.
- ۴- فراگیران؛ مثل: جابجایی در کلاس، سر و صدا کردن، حرف زدن، شکلک در آوردن، شرور بودن، تبانی کردن، خسته بودن، مشکلات روانی و شخصیت دانش آموز، خودنمایی کردن، مشکلات بینایی و شنوایی.
- ۵- محتوا؛ مثل: اگر محتوا ساده باشد توجه نمی کند و اگر مشکل باشد هم همینطور.

۲-۱-۱. چگونگی مواجهه با اختلالات

- ۱- تغافل و بی اعتنایی
- ۲- فعال کردن کلاس
- ۳- ارائه ی محتواهای تازه
- ۴- مسوولیت دادن به فرد مخل
- ۵- ارائه ی مباحث مورد نیاز مخاطب
- ۶- تنبیه های عاطفی
- ۷- مشارکت دادن فرد مخل در فرایند تدریس
- ۸- پرسیدن از فرد کناری شخص مخل

- ۹- تغییر جای فرد مخلّ
- ۱۰- بالا بردن صدا
- ۱۱- مطرح کردن بحث معاد
- ۱۲- وادار ساختن افراد کلاس به نوشتن
- ۱۳- تعریف و احترام جهت دار به فرد خاطی
- ۱۴- سوال فرد مخل را از خودش بپرسید یا از کلاس
- ۱۵- جو سازی بر علیه فرد مخل
- ۱۶- ارجاع دادن بحث به بعد از کلاس
- ۱۷- همخوانی (قرآن، دعا، شعر، صلوات)
- ۱۸- نام بردن اسم فرد مخل
- ۱۹- رفاقت با شخص مخل قبل از شروع کلاس
- ۲۰- تهدید های ملایم؛ مثل: کم کم دارم عصبانی می شوم.
- ۲۱- سکوت
- ۲۲- زدن بر روی میز یا روی تخته

۱-۱۲- مهارت طرح سؤال

یکی از شاخصه های عمده ی مهارت کلاسداری همین مهارت است که موجب تمایز کلاس با منبر می شود.

۱-۱۲-۱. کاربرد های پرسش و سوال

- ۱- کسب اطلاعات
- ۲- کنترل تعادل ضعیفان و اقویای کلاس
- ۳- ایجاد علاقه و تحریک حس کنجکاوی
- ۴- تشخیص مشکلات فراگیران
- ۵- ابراز علاقه به مخاطب
- ۶- مشخص نمودن نگرش ها و احساسات
- ۷- به حداکثر رساندن توجه مخاطبان
- ۸- تقویت تفکر انتقادی
- ۹- تشویق به مشارکت در بحث
- ۱۰- تشخیص موانع یادگیری

۱-۱۲-۲. انواع پرسش

- ۱- پرسش های یادآور

- ۲- پرسش های پردازشی؛ مانند: نظر شما چیست؟ شما چه توجیهی دارید؟ چه تحلیلی می کنید؟
- ۳- پرسش های باز؛ مثل: صبح ها چه کار می کنی؟ چرا روابط دختر و پسر سختگیرانه است؟
- ۴- پرسش های بسته؛ مثل: نماز می خوانی؟ اهل کجا هستی؟ (به درد جایی می خورد که می خواهیم سریع تصمیم گیری نماییم)
- ۵- پرسش های عاطفی؛ مثل: چرا از پدرت نفرت داری؟ چرا نسبت به حجاب علاقه نداری؟
- ۶- پرسش های پی گیرنده؛ پاسخ دهنده را وادار می کند پاسخ اولیه ی خود را بسط دهد. مثل: ممکن است باز هم توضیح دهید؟ دقیقا منظورت چی بود؟ می توانی یک مثال بزنی؟

۱-۱۲-۳. انواع پاسخ

- ۱- سکوت
- ۲- امتناع علنی
- ۳- نا مربوط
- ۴- شوخی
- ۵- دروغ
- ۶- پرسش در برابر پرسش
- ۷- طفره رفتن
- ۸- تحریف
- ۹- صادقانه

۱-۱۲-۴. انواع پرسش گری منفی که باید از آن پرهیز کرد

- ۱- سؤالی که سودی ندارد.
- ۲- پرسش از مسأله ای که زیانبار است. مثل بعضی از مسائل سیاسی.
- ۳- پرسش از مسائل شخصی.
- ۴- پرسش های تمسخر آمیز.
- ۵- پرسش به هدف خود نمایی.
- ۶- پرسش های تخریب کننده ی شخصیت و اعتبار مخاطب.
- ۷- سؤالات بی جا و بهانه جوینانه.
- ۸- پرسشی که پاسخ آن سخت باشد.

۱-۱۳-۱- مهارت کتابت

۱-۱۳-۱. مستند

امام صادق 7 می فرماید: اَكْتُبُوا فَإِنَّكُمْ لَا تَحْفَظُونَ إِلَّا بِالْكِتَابِ^۱
پیامبر اکرم 9 می فرماید: قِيدُوا الْعِلْمَ قَيْلَ وَ مَا تَقْيِيْدُهُ قَالَ كِتَابُهُ^۲

۱-۱۳-۲. راههای رسیدن به مهارت کتابت

۱- خط خود را زیبا کنید.

راههای زیبا کردن خط:

أ. روی خط مستقیم بنویسید.

ب. بین حروف فاصله بدهید.

ت. دندانها را واضح و آشکار بنویسید.

ث. جهت خط نسخ به سمت چپ می باشد.

ج. جهت خط نستعلیق به سمت راست می باشد.

ح. نحوه ی نوشتن حروف را یاد بگیرید.

۲- به جزوه های دانش آموزان امتیاز بدهید.

۳- هر از چند گاهی به نوشته های دانش آموزان نگاه کنید.

۴- به دانش آموزان بگویید لازم نیست تمام آنچه را که می شنوند بنویسند.

۵- تا آنجا که ممکن است مطابق دستور زبان فارسی بنویسید.

۱-۱۳-۳. نکاتی در مورد استفاده از تابلو

۱- نوشتن نام خدا بر روی تابلو ← قال رسول الله 9: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مفتاح کل کتاب^۳

۲- نوشتن نام خدا به زیبا ترین شکل ← قال الصادق 7: اُكْتُبْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنْ أَجْوَدِ كِتَابِكَ^۴

۳- نوشتن بر روی تابلو تاثیر زیادی بر روی ماندگاری مطالب در ذهن مخاطب دارد.

۴- تنها نکات مهم را روی تابلو بنویسید.

۵- اگر ممکن است موضوعات را پاک نکنید تا کسانی که دیر به کلاس می آیند متوجه مطلب بشوند.

۶- از بالای تابلو شروع به نوشتن کنید.

۷- مطالب دسته بندی و منسجم باشد.

۱- بحار، ج ۲، ص ۱۵۳

۲- همان، ص ۱۵۱

۳- در المنثور، ج ۱، ص ۲۷

۴- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۹۴

- ۸- هنگام نوشتن مطالب را بخوانید تا مخاطب نیاز به نگاه مکرر نداشته باشد.
- ۹- هنگام ورود به کلاس تابلو را نگاه کنید.
- ۱۰- هنگام پاک کردن اسماء متبرکه که آهسته تر پاک کنید.
- ۱۱- مطالب نوشته شده را حتی الامکان پاک نکنید.
- ۱۲- تابلو در مکانی باشد که قابل دیدن برای همه باشد.
- ۱۳- تابلو در جایی باشد که نور را منعکس نکند.
- ۱۴- اندازه ی تابلو متناسب با حجم مطالب باشد.